

# بازیگوشی های افشین

مجموعه ماجراهای افشن و دایی بروز

تألیف: صفیه پرماں



# به نام خدا



سازمان فناوری اطلاعات ایران  
معاونت امنیت فضای تولید و تبادل اطلاعات

این کتاب در پروژه  
”صیانت از کودکان و خانواده در اینترنت“  
به سفارش معاونت امنیت فضای تولید و تبادل اطلاعات  
با همکاری پلیس فتا ناجا تهیه شده است.



ا منتشرات عتیق

- زالزاده، فریاز، ۱۳۴۴  
سرشناسه : عنوان و نام پدیدآور : بازیگوشی‌های افسین/ تالیف فریاز زالزاده؛ تصویرگری مریم مستوفی؛ به سفارش معاونت امنیت فضای تولید و تبادل اطلاعات.

مشخصات نشر :	تهران: عترت نو، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهري :	۱۶ ص: مصور (رئيسي).
فروست :	مجموعه ماجراهای افشن و داد بروز.
شاپك :	دو ۷۰ و ۶۰-۶۰-۹۷۴-۲۷۳-۹۷۸-۶-۰۰-۵-۹۶۷-۳۷۸-۹۷۸.
فرايموند و پعيت فهسم توسي :	فپيا
يادداشت :	گروه سيني: ب، ج.
موضوع :	شعر کودکان
Children's poetry :	موضوع
تل芬 همراه - تداری اینمي :	موضوع
Cell phones -- Security measures :	موضوع
ايترنت و کودکان - پيشبيدهاي اينمي :	موضوع
Internet and children - Safety measures :	موضوع
فضايات محاجي :	موضوع
Cyberspace :	موضوع
شناسنامه افزووه :	مستوفى، مریم، ۱۳۵۸، -، تصویرگر
شناسنامه افزووه :	سازمان فناوری اطلاعات ايران. معاونت اول
تاياد اطلاعات :	
آرزو بندی توي :	۱۳۹۶ ب ۱۳۹۶
شماره راكتابشناسي ممل :	۵۰۹۸۶۸۲

بازیگوشی‌های افشین

#### مجموعه ماجراهای افشین و دایی بروز در فضای مجازی

## به سفارش:

سازمان فناوری اطلاعات ایران

معاونت امنیت فضای تولید و تبادل اطلاعات



تألیف: فرناز زال زاده

تصویرگری: مریم مستوفی

صفحه آرایی: مژگان کمیجانی

ویراستاری: راضیه زینلی

مشاور طرح: علی

آدرس سایت: ceop.ir

شماره ۱۰۰۰ جلد گان

قیمت : ۶۷۰۰ تومان

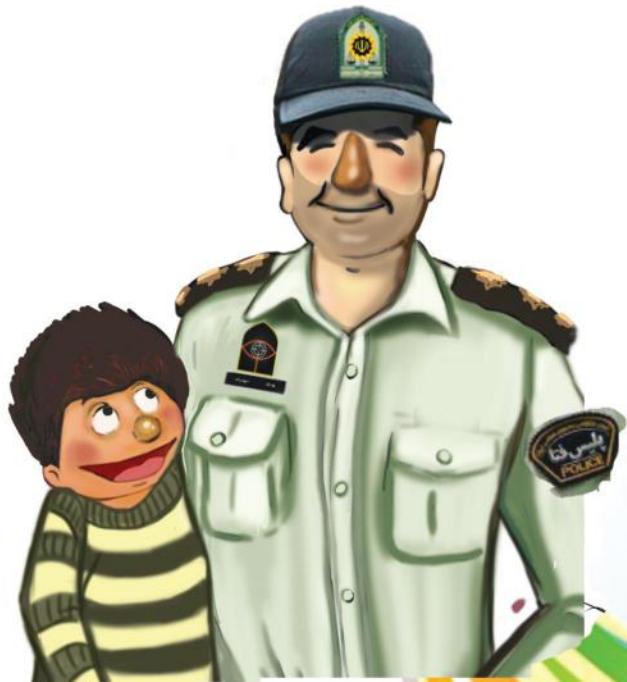
شانک : ۷-۴۲-۶۰۹۶-۶۰۰۰-۷۸۷۹

شانگ دو، ۵ :

حاب: سمن بـ داز کامه ۹-۱۶۳۸۱۶۴۸

نشانی: خیابان انقلاب، خیابان فخر رازی، خیابان نظری،  
کوچه فرزانه، بلاک ۱، واحد ۱۳۳۸-۹ تلفن: ۶۶۴۸۱۶۳۸

# بازیگوشی‌های افشین



مجموعه

ماجراهای افشین  
و  
دایی بروز

شاخه نبات، شَهد و شِکر  
آقا و یکدونه و زَر  
خوشگل و دوست داشتنیه  
عاشقِ دانستنیه  
کنجکاویاشر گُل میکنه  
تو قوری غلغل میکنه

پسر داریم قند و عسل  
پسر داریم خوش بَر و رو  
پسر داریم افشین آقا  
بازیگوشه یه کم ولی  
واسه همین یه وقتایی  
مثل یه آب جوش که هی





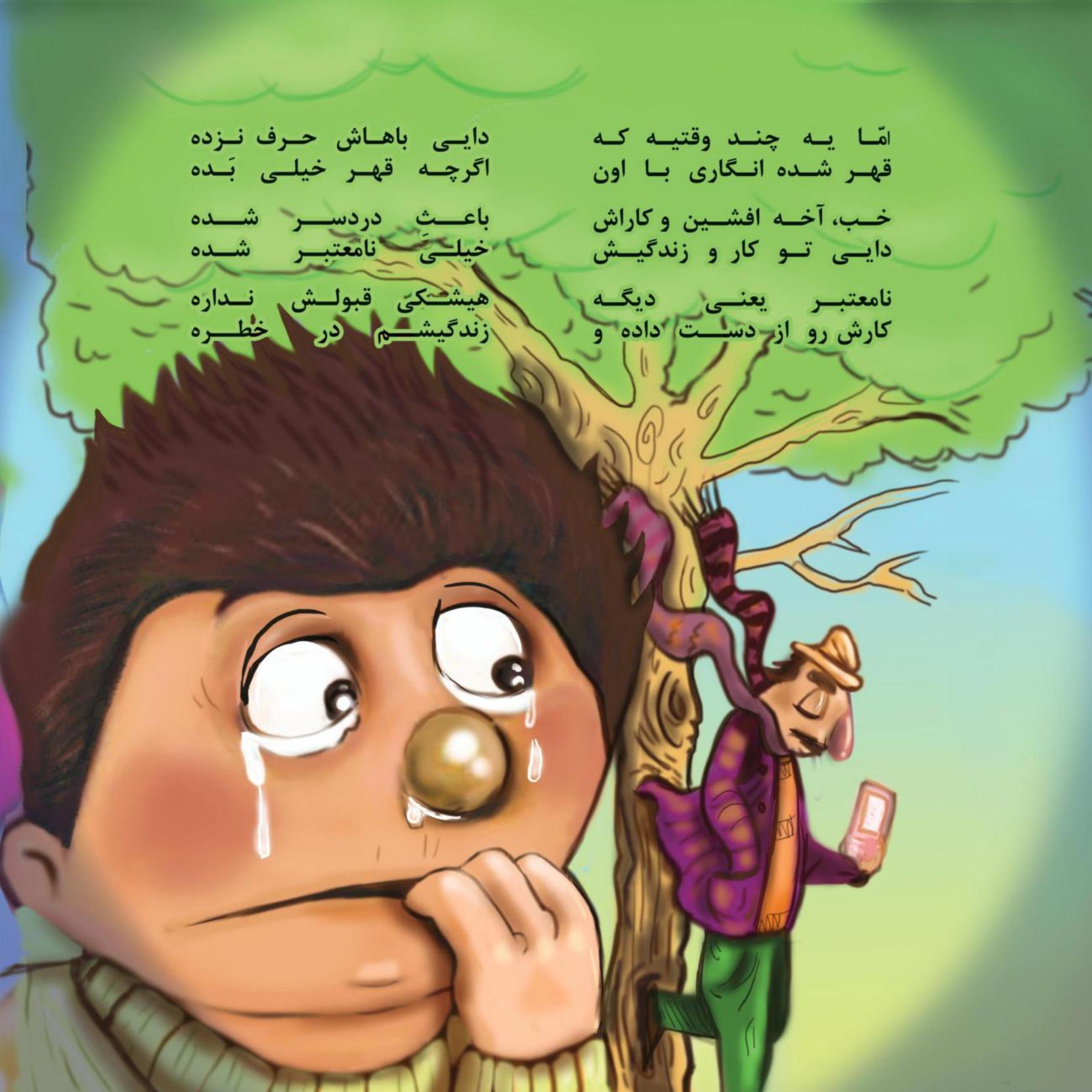
گه‌گاهی کارخراپیه  
در دسرِ حسابیه  
خیلی رفیق و جور شده  
یه هدیه‌ی تولده  
یه دوست خوب و مهربون  
یه هدیه‌ای از آسمون

بله دیگه شیطونیاش  
یه کار خرابی که نگو  
یه دایی داره که باهاش  
خودش میگه: "دایی برام  
دایی من همیشه هست  
یه هدیه از سمت خدا

همبازی و همراهانه  
یه تکیه گاهِ مُحکمه  
عنی که همراه زمان  
با خبره این دایی جان  
دورش پُر از طرفداره  
چه چیزهایی که نداره

چون که داییم از کوچیکی  
دایی مثالِ کوه برام  
"دایی بروز" اسم اونه  
از علم و تازه های اون  
یه آدم امروزی که  
گوشی هوشمندِ دایی





دایی باهاش حرف نزده  
اگرچه قهر خیلی بَده  
باعث دردسر شده  
خیلی نامعتبر شده  
هیشتکی قبولش نداره  
زندگیشم در خطره

اما يه چند وقتیه که  
قهر شده انگاری با اون  
خب، آخه افشین و کاراش  
دایی تو کار و زندگیش  
نامعتبر يعني دیگه  
کارش رو از دست داده و

یه روزی از همین روزا  
سر میزنه آش خطای  
گوشی رو دستکاری کنه  
گاهی خرابکاری کنه  
اشتباه پاک کرده یه بار  
دایی با اونها داشته کار  
بعد دیگه دایی نتونست  
دوستاشو پیدا بکنه  
یا اینکه یک بار دیگه  
لیست رو مهیا بکنه

چون آقا افشنین بلا  
با گوشی دایی بروز  
اون آخه عادت داره که  
سابقه داشته تا الان  
شماره های گوشی رو  
شماره‌ی دوستانی که



تایید بی اجازه بود  
تایید یک رمز ورود  
دزدیده شد با این فریب  
دست یه آدم غریب  
پاک میشد و اون نمی دید  
توبیخ و دعوا می شنید

خطای افشن یدفعه  
تایید درخواست خرید  
پولهای دایی توی کارت  
چون حالا رمز افتاده بود  
بارها پیامهای دایی  
بعد اون از دوست و مدیر  
چون مثلا مدیر اون  
پیام داده زودی بیا  
یا اینکه این کارو بکن  
زود بفرست برای ما



افسوس از اینکه دایی جون  
گوشیش تو دستِ افشینه

معلومه که پیامها رو  
به وقت دیگه نمیبینه

یا اینکه افشنین اشتباه  
به خانمی پیام داده

تصویرِ نامناسبی  
برای اون فرستاده

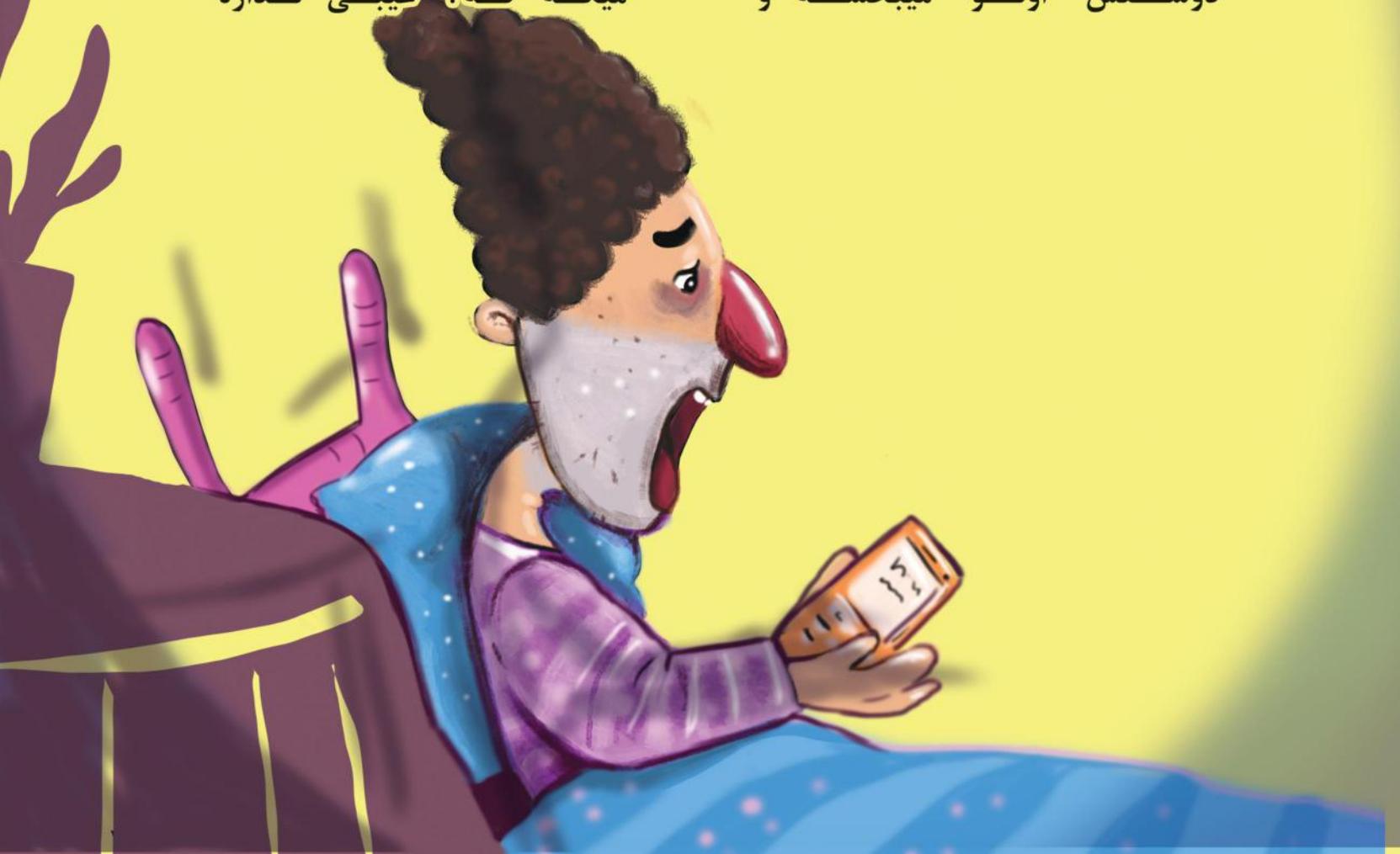
اینجوری آبروی دایی  
حسابی رفته چند باری

عذرخواهی کرده گاهی با  
بهانه‌های تکراری



نوشته: "من حَالَمْ بَدَه  
تو این روزا سَرْ نَزَدَه"  
داده پیام تصویری:  
بَسَهْ دِيَگَهْ، كِی مِيمِيرِی"  
با ناراحتی زنگ میزنه  
جواب کارهای مَنَهْ!؟!  
از دل اون درمیاره  
میگه که: "عَيْبِي نَدارَه"

حتّی یه بار دوست دایی  
تنهم و هیچ دوستی بِه من  
افشینم اشتباھی باز  
که من اَزَتْ بَدَمْ میاد  
تا اینکه اون دوست به دایی  
میگه: "چه دوستی هستی، این  
دایی مث همیشه باز  
دوستش اوَنُو میبخشَه و



آبروی دایی رفته پاک  
گذاشته بود به اشتراک  
با حضور شخص دایی  
ضبط شده بود اشتباهی  
دایی هنوزم ندیده  
به گوشی اون رسیده  
کار داده دست دایی جون  
مدیر رو انداخته بیرون  
آبرو برash نمیمونه  
اما خودش نمیدونه

تو گروه همکاراشم  
چون افسین عکس‌های بدی  
فیلمهای خانوادگی  
صحابت محرمانه که  
حتی یه فیلمی که خود  
از طرف یه ناشناس  
همون رو بُرده تو گروه  
حتی با یک خطای دست  
بله، با این کارها، دایی  
همه میگن کار اونه



# دفتر ریاست



تا اینکه بعد مُرخصیش  
میره دوباره سر کار  
از کار افشن بی خبر  
همه از اون گلایه دار

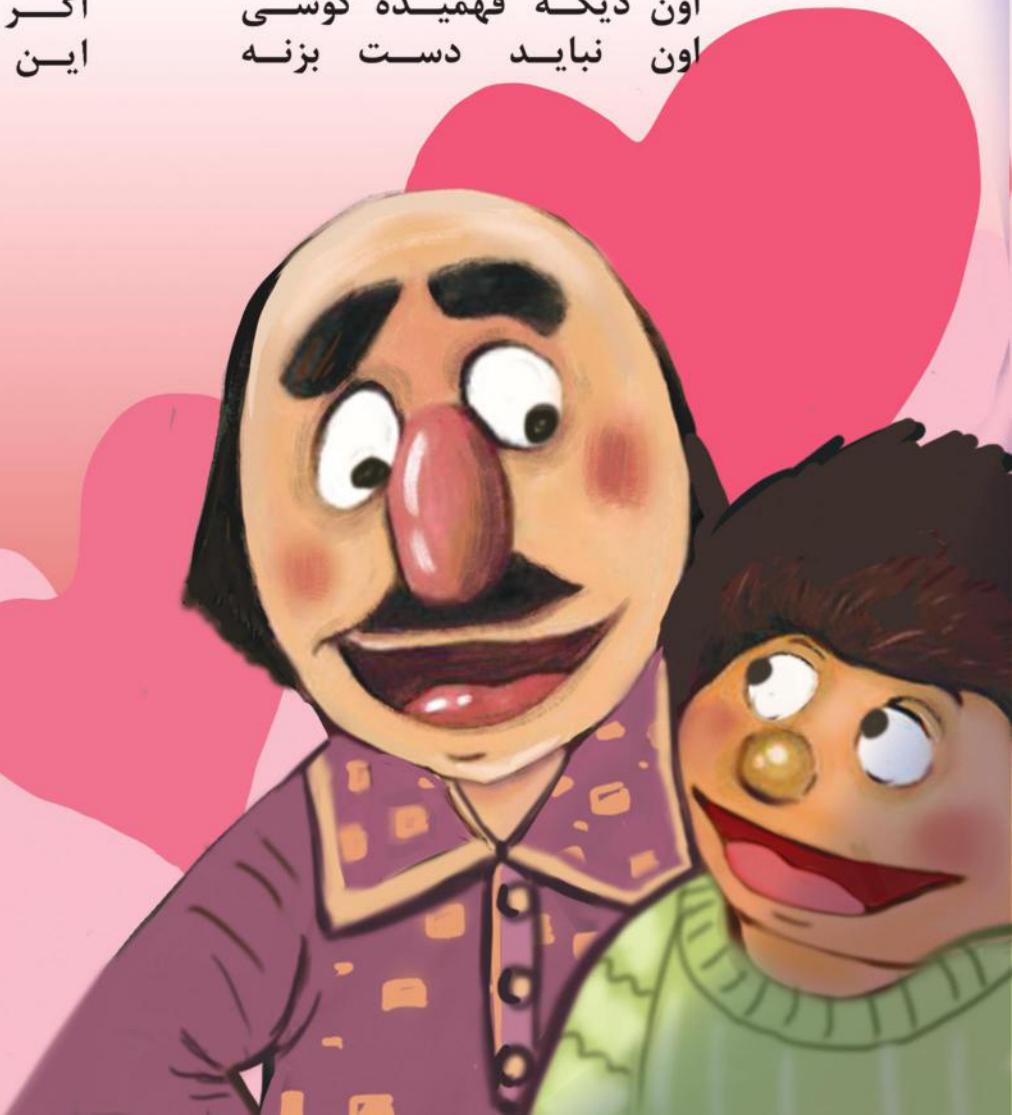
از همه بدتر میرسه  
نامه‌ی اخراج دایی

خودش نمیدونه چرا  
به بار آورده رسوایی

مدیر میگه: "از این به بعد  
جاتون توى اداره نیست  
با این همه خرابکاری  
متأسفیم و چاره نیست"

گوشیشو چک کرده، دیده  
تا به الان نفهمیده  
پیش خودش نمیاره  
اگرچه دوستش داره  
قول میده تکرار نکنه  
بی اجازه کار نکنه  
اگر واسه بزرگتر است  
این کارا خیلی اشتباشت

حالا از اون موقع دایی  
وای! چه خبرها شده و  
واسه این، افشنین رو دیگه  
بیکاره و ناراحته  
تا اینکه افشنین دایی  
با گوشی دایی جونش  
اون دیگه فهمیده گوشی  
اون نباید دست بزن



# بِكَانَامِ خُدَاءِ



حتی میگه دوستان من  
باید که مطلع بشن  
به گوشی بزرگترا  
هیچ موقعی دست نزنن

واسه همین از این به بعد  
افشین و دایی همکارن  
تا مردمو در مورد  
اینها تو جریان بذارن

میرن تو جمع بچه ها  
با قصه های پندآموز  
نمایشای با نمک  
از "افشین و دایی بروز"

پلیس فتای مهربون  
اونها رو یاری میده و  
معلمی که میشناسه  
میتونه برطرف گنه  
با اونها همکاری داره  
مثل یه آموزگاره  
خوب فضای مجازی رو  
مشکل و هر نیازی رو

با افشین و دایی بروز  
همیشه همراه بموئید  
پلیس فتا رو تا ابد  
دوست خودتون بدونید





فناوران توسيعه امن ناجي  
Naji Secure Development  
Technologist co